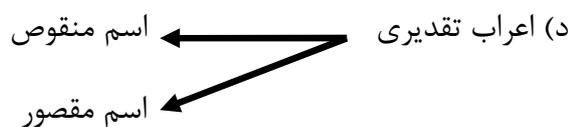
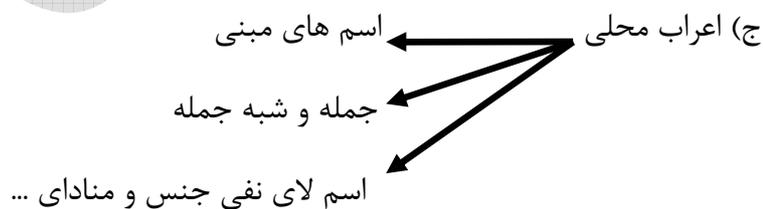
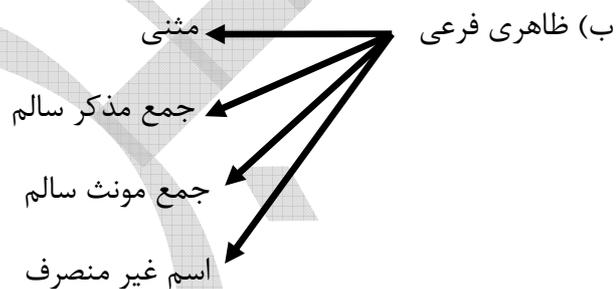
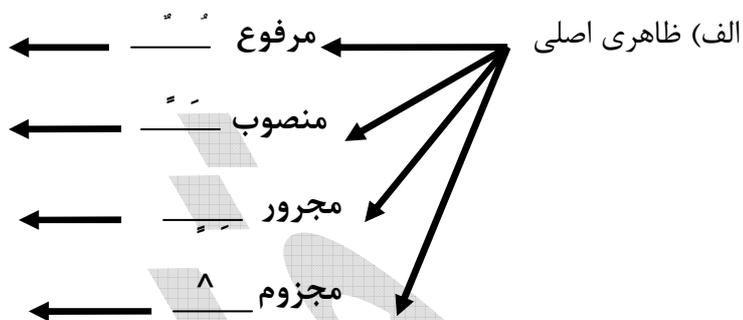


# مفاعیل

یاد آوری

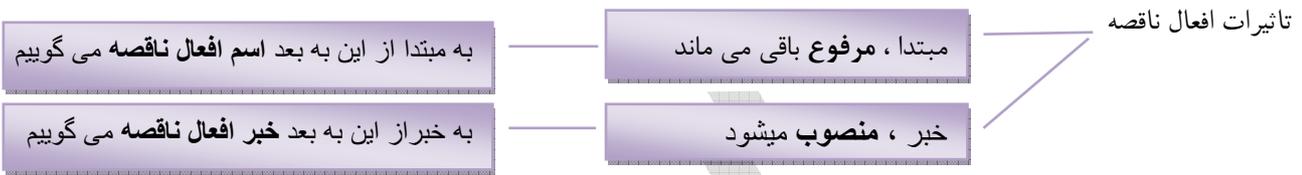
## انواع اعراب :



## نواسخ

برخی کلمات هستند که هنگام قرار گرفتن بر سر جمله اسمیه اعراب مبتدا یا خبر را منصوب می کنند و عبارتند از :

**افعال ناقصه :** کان ، اصبح ، لیس ، صار ، مادام



مانند:

لا يَكُونُ الشُّجَاعُ فَخْرًا

اسم ظاهر

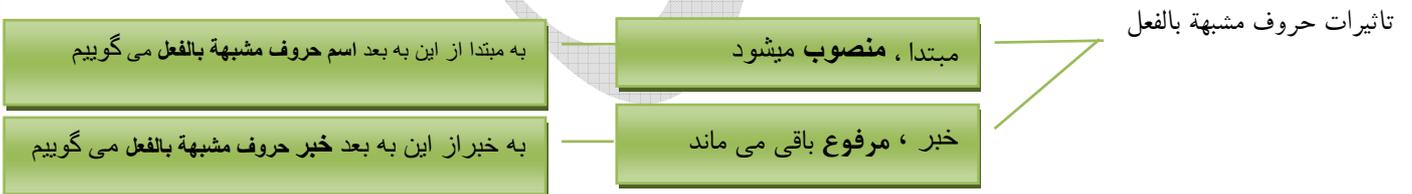
أَصْبَحُوا أُمَّةً لِلْآخِرِينَ

ضمير بارز

زَكَرِيَّا الرَّازِيُّ كَانُ دَوُوبًا فِي عَمَلِهِ

ضمير مستتر

**حروف مشبهة بالفعل :** إِنَّ ، أَنْ ، كَأَنَّ ، لَكِنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ



لَعَلَّ اللهُ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ

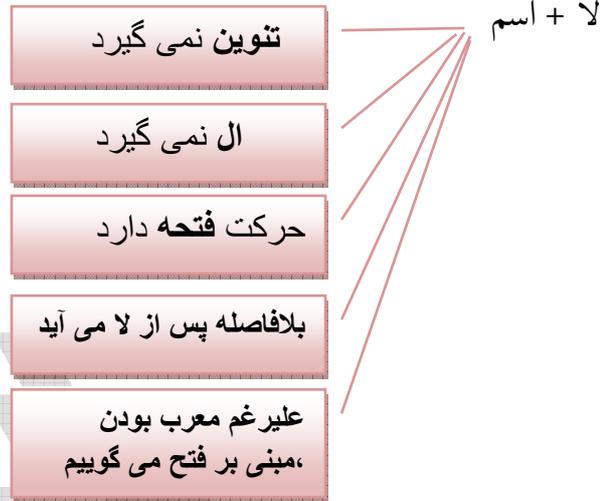
لَكِنَّ الْمُسْلِمِينَ غَافِلُونَ .

اسم ظاهر

كَأَنَّكَ فِي الْمَسْجِدِ

ضمير بارز

حرف لای نفی جنس :



مانند : لا سَيْفَ أَقْطَعُ مِنَ الْحَقِّ لَابِلِيَّةَ أَصْعَبُ مِنَ الْجَهْلِ

## مفعول به

تعریف : اسمی است منصوب که فعلِ فاعل بر آن واقع میشود و غالباً در جواب چه کسی را؟ و چه چیزی را؟ می آید .

### حالت های مفعول به :

#### 1) اسم ظاهر

منظور اسمی است منصوب که بعد از فعل متعدی جهت تکمیل معنای فعل می آید .

مانند : يَقُولُ المؤمنُ \* حَقًّا

\* مفعول به و منصوب به اعراب ظاهری اصلی فتحه - اسمی منصوب بعد از فعل متعدی

#### 2) ضمیر متصل منصوبی

هر گاه ( فعل + ه ، هما ، هم / ها ، هما ، هنّ / كَ ، كُما ، كُمْ / كِ ، كُما ، كُنَّ / ي ، نا ) باشد ، ضمیر نقش مفعول دارد و محلاً منصوب .

يَضْرِبُنِي \* بِشِدَّةٍ

مانند : رَأَيْتَهُ \* فِي الْبَيْتِ

\* ضمیر متصل منصوب و مفعول و محلاً منصوب

\* ضمیر متصل منصوب و مفعول و محلاً منصوب

نکته در مورد ضمیر نا :

فعل مضارع + نا :

فعل امر + نا :

فعل ماضی + نا :

### 3) ضمیر منفصل منصوب

هرگاه ( اِیَا + ه ، هما ، هم / ها ، هما ، هُنَّ / ک ، کُما ، کُم / ک ، کُما ، کُنَّ / ی ، نا )

مانند : \* اِیَاکَ نَعْبُدُ

\* ضمیر منفصل منصوب و مفعول و محلاً منصوب

#### « نکات »

نکته 1 : در سه حالت مفعول قبل از فاعل می آید

الف ) هرگاه مفعول ، ضمیر متصل منصوبی باشد و فاعل اسم ظاهر .

مانند : عَرَفَهُ \* سعید

\* ضمیر متصل منصوب و مفعول و محلاً منصوب

ب) هرگاه در جمله ضمیر منفصل منصوبی قرار گیرد اصولاً مفعول به است .

مانند : \* اِیَاکَ نَعْبُدُ

\* ضمیر منفصل منصوب ، مفعول و محلاً منصوب

ج) اسم استفهام قبل از فعل متعدی

اگر قبل از فعل متعدی، اسمهای استفهام ( مَنْ : چه کسی و ما : چه چیزی ) بیاید این کلمات نقش مفعول به خواهند داشت . مانند :

\* مَنْ رَأَيْتَ ؟ . \* مفعول به و منصوب محلاً

نکته 2 - برخی افعال دو مفعول میگیرند که عبارتند از :

عَلَّمَ / وَهَبَ / أَعْطَى / أَذَاقَ / اتَّخَذَ / جَعَلَ / وَجَدَ / أَقْرَضَ / آتَى / سَمَّى / حَسِبَ / اسْتَوْدَعَ / أَوْدَعَ / رَزَقَ / أَلْبَسَ

مانند : الْأُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنَاتُ يُعَلِّمْنَ أَوْلَادَهُنَّ \* حُبُّ الشَّهَادَةِ

نکته 3 - گاهی مفعول به معنای را نمیدهد بلکه بصورت متمم ( از ، به ، با و ..) ترجمه میگردد . به عبارت دیگر کلمه ای که معنای متمم میدهد بدون اینکه قبل از آن حرف جری آمده باشد مفعول به است .

مانند : بَلَغَ الرَّجُلُ \* الْمَنْزَلَ مَرْدٌ بِهِ خَانَهُ رَسِيدٌ / يُقَاتِلُ الْمُؤْمِنُ \* الْكَفَّارَ مُؤْمِنَانِ بِأَكْفَارِهِ مِي جَنُكِنْدُ  
\* مفعول به و منصوب به اعراب ظاهری اصلی فتحه \* مفعول به و منصوب به اعراب ظاهری اصلی فتحه

بَلَغَ الرَّجُلُ \* بِالْمَنْزَلِ مَرْدٌ بِهِ خَانَهُ رَسِيدٌ \* مجرور به حرف جر و مجرور به اعراب ظاهری اصلی کسره

نکته 4- گاهی مفعول به بصورت جمله است و مهمترین افعالی که مفعول به آنها میتواند جمله باشد عبارتند از :

قَالَ / ذَكَرَ / أَجَابَ / طَلَّبَ

مانند : قُلْ \* صَدَقَ اللَّهُ

نکته 5 - گاهی با آوردن حرف جر فعل لازم به متعدی تبدیل می شود .

جاءَ ( آمد ) : جاءَ به ..... ( آورد )  
صَعَدَ ( بالا رفت ) صَعَدَ به ..... ( بالا برد )  
ذَهَبَ ( رفت ) : ذَهَبَ به ..... ( برد )  
نَزَلَ ( فرود آمد ) نَزَلَ به ..... ( فرود آورد )

## تست شماره 1

عَيْنٌ مَا فِيهِ مَفْعُولٌ بِهِ وَاحِدٌ قَطُّ ( سراسری زبان 94 )

(1) لقد ارتفعت اليوم درجة الحرارة إلى أن بلغت الحدَّ الأقصى!

(2) يُعَلِّمُنِي الْمَعْلَمُونَ مَعْلُومَاتَ كَثِيرَةٍ طَوَّلَ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةَ!

(3) وهبنتي الأمُّ محبَّتَها السَّمَاوِيَّةَ فَأَحَبَّها حَبًّا كَثِيرًا!

(4) ألبس الوالد ابنه قميصاً أرخص من قميصه

## مفعول مطلق

تعریف : مصدری است منصوب از جنس فعل جمله و بدون پذیرش ال که برای ( الف ) تاکید ( ب ) بیان بکار میرود.

نکته : مصادر خود به دو بخش مصادر ثلاثی مجرد که سماعی هستند و مصادر ثلاثی مزید تقسیم میشوند که عبارتند از:

### الف : مصادر ثلاثی مجرد :

معنی	مصدر	ماضی
نشستن	جلوس	جَلَسَ
زخمی شدن	جَرَحَ	جَرَحَ
غواصی کردن	غوص	غاص
خدمت کردن	خدمة	خَدَمَ
هدایت کردن	هدایة	هَدَى
خوشحالی	سرور	سَرَّ
عمل کردن	عَمَلَ	عَمِلَ
موفقیت	نجاح	نَجَحَ
بازی کردن	لعباً	لَعِبَ
خواندن	قراءة	قَرَأَ
تعجب کردن	عجباً	عَجِبَ
بدست آوردن	حصول	حَصَلَ

معنی	مصدر	ماضی
ذکر کردن	ذکر	ذَكَرَ
دعوت کردن	دعوة، دعاء	دَعَى، دَعَوَ
شاد شدن	فَرَحَ	فَرِحَ
ظاهر شدن	ظهور	ظَهَرَ
خارج شدن	خروج	خَرَجَ
آتش روشن کردن	سَجَّرَ	سَجَّرَ
زندگی کردن	عَيشَ	عَاشَ
پیروز شدن	فوز	فَازَ
ترک کردن	هَجَرَ	هَجَرَ
رفتن	ذهاب	ذَهَبَ
ترسیدن	خوف	خَافَ

### ب: مصادر ثلاثی مزید

مصدر	مضارع	ماضی
أفعال	يُفَعِّلُ	أَفَعَّلَ
تفعیل / تفعلة	يُفَعَّلُ	فَعَّلَ
مُفاعلة / فِعال	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
تفاعُل	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
تَفَعَّلُ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
انفعال	يَنْفَعِلُ	انْفَعَلَ
افتعال	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
استفعال	يَسْتَفَعِلُ	اسْتَفَعَلَ

## انواع مفعول مطلق :

الف ( مفعول مطلق تاکیدی

اگر بعد از مفعول مطلق ، صفت یا مضاف الیه نیاید مفعول مطلق ما تاکیدی خواهد بود.

نکته: در ترجمه مفعول مطلق تاکیدی بجای ترجمه مصدر از کلماتی مانند : براستی ، بی شک، قطعاً، حتماً ، مسلماً ، یقیناً ، محققاً و ... استفاده می کنیم .

مثال : كَلَّمَ اللهُ مُوسَى \*تَكْلِماً ← مسلماً خدا با موسی صحبت کرد \*مفعول مطلق تاکیدی

جَلَسْتُ \*جَلُوساً ← براستی نشستم \*مفعول مطلق تاکیدی

ب) مفعول مطلق نوعی ( بیانی)

مصدری است منصوب که برای بیان نوع فعل است و به دو صورت است :

الف) مفعول مطلق + صفت ← يُكْرِمُ الْمُؤْمِنُ ضَيْفَهُ \*اِكْرَاماً كَثِيراً - مؤمن مهمانش را بسیار اكرام می کند.

ضَرْبَهُ \*ضَرْباً شَدِيداً - او را محكم زد \* مفعول مطلق نوعی / بیانی

نکته 1 : با دقت در ترجمه ( بسیار، محکم و ...) در میابیم که فقط صفت را بصورت قید ترجمه میکنیم .

نکته 2 : گاهی صفت ممکن است در قالب جمله وصفیه دیده شود

مانند: إِنَّهُمْ يَتْلُونَ الْقُرْآنَ تَلَاوَةً تُؤَثِّرُ فِي قُلُوبِنَا

نکته 3 - دقت در شناسایی صفت

أَدْعُ النَّاسَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ دَعْوَةً دَائِمًا

ب) مفعول مطلق + مضاف الیه ← اُنظروا إلى الدنيا \*نَظَرَ الزاهدينَ فيها\* مفعول مطلق نوعی .بیانی

نکته : مضاف تنوین نمیگیرد ، بنابراین مفعول مطلق در این صورت بدون تنوین می آید و با حرکت فتحه نشان داده میشود.

### نکات ترجمه مفعول مطلق نوعی / بیانی

1 - مفعول مطلق و صفت بصورت قید ترجمه میشود :

إصبر صبراً جميلاً ← به زیبایی صبر کن

مفعول مطلق + صفت

2 - اگر صفت جمله وصفیه بود از عباراتی همچون: به طوری که ، به گونه ای که و ...

استفاده می کنیم

آمنتُ بالله ایماناً لا یزول عنی ← به خداوند ایمان آوردم به گونه ای که درمن از بین نمیروند

اگر مفعول مطلق دارای مضاف الیه باشد به مصدر از کلماتی مانند ( همچون، مثل، شبیه و ...

استفاده میکنیم

مفعول مطلق + مضاف الیه

مانند: ابتسم لهم ابتسامة الأب الحنون ← همچون پدری مهربان به آنها لبخند زد

## تست شماره 2

### عین المفعول المطلق ( سراسر هنر 91)

- 1) أحسنتُ إلى والديّ المجتهدين محسناً!
- 2) أحسن إلى الآخرين كما أحسنوا اليك محسنين!
- 3) إنا أحسنّا إلى المساكين إحسان الخالصين!
- 4) إن أحسن المؤمنين إيماناً يعيش و يموت مؤمناً!

### ج) مفعول مطلق فعل محذوف

- 1 - اصولاً در آغاز یا آخر جملات می آید
- 2 - غالباً برای تاکید کار استفاده میشود
- 3 - مصدر منصوب است اما فعل هم ریشه آن در جمله وجود ندارد
- 4 - اغلب این مصدر ها بصورت فعل ترجمه می شود

### که عبارتند از :

شكراً / عفواً / حمداً / صبراً / حقاً / مهلاً / جداً / أيضاً / إضافة / معذرةً / لطفاً / مرحباً / خاصةً / حتماً ، سمعاً و طاعةً / سبحان الله / عذراً / معاذ الله / اهلاً و سهلاً

## نکات

- 1 - کلمات **شکراً**، **عفواً**، **حمداً**، **صبراً** تنها در صورتی که اول جمله بیایند و یا بعد از منادا بیایند مفعول مطلق هستند و اگر بعد از فعل بیایند مفعول مطلق نیستند و نقش دیگری دارند ضمناً باید از لحاظ معنا بصورت :  
متشکرم ، ببخشید، سپاسگزارم و صبر کن باشد.

مثال : یا اخی ! \* عفواً \* مفعول مطلق برای فعل محذوف / \* شكراً ، فی أمان الله \* مفعول مطلق برای فعل محذوف

طَلَبْتُ \*عَفْواً من الحاكم \* مفعول به و منصوب / كان أُملي \*عَفْواً. آرزویم بخشش بود \* خبر کان و منصوب

2- کلمه **حقاً** زمانی مفعول مطلق است که در آخر جمله بیاید و معنای (حقیقتاً) بدهد.

مثال : كان وَعْدُ ربي \*حقاً وعده پروردگارم حقیقت بود \* خبر کان

هذه المنظره جميلة \*حقاً این منظره حقیقتاً زیباست \* مفعول مطلق برای فعل محذوف

3 - کلمات (مهلاً، أهلاً و سهلاً، جداً، أيضاً، حتماً، سمعاً و طاعة، سبحان و معاذ) در هر جای جمله بیاید مفعول مطلق است

4 - سبحان و معاذ بدلیل مضاف شدن بدون تنوین می آیند

نکته : گاهی در جمله مصدری می آید که با فعل جمله هم ریشه نیست ولی هم معنی و مفهوم است و این مصدر مفعول مطلق می باشد

فعل ← قام / وقف جلس / قعد شعر / احس

مصدر ← قیام / وقوف جلوس / قعود شعور / احساس

### مفعول فیه

مفعول فیه یا ظرف اسمی است منصوب که بر زمان یا مکان وقوع فعل دلالت میکند و به دو دسته 1 - ظرف

زمان 2 - ظرف مکان تقسیم می شود .

مهمترین ظرفهای زمان عبارتند از :

قبل / متی / فوراً / صباحاً / بعد / إذا / الیوم / عشاء / عند / حین / یوماً / مساءً / غداً / لَمَّا (روی فعل

ماضی) لیلاً / أمس / الآن / نهراً / أسبوعاً / صيفاً / شتاء / عاماً / شهراً / خريفاً / سنة / ساعة / دائماً / ابداً

مهمترین ظرفهای مکان عبارتند از :

فوق / تحت / أمام / جنب / خلف / أين / حيث / عند / لدن / هنا / هناك / بين / يمين / يساراً / ضدّ /  
 خلال / شرقاً / وراء / شمالاً / جنوباً / حول / غرباً

## نکات

1 - کلماتی مانند : عند ، قبل ، تحت و ... ( اصولاً ظرفهای مکان ) هر جا آمده باشد مفعول فیه است مگر آنکه قبل از آنها حرف جر آمده باشد.

مثال : يَدُ اللَّهِ \* فوقَ اَيديهم \* مفعول فیه      قد جاء \* مِنْ قِبَلِكُمْ رَسُلٌ \* جارو مجرور

2 - کلماتی مانند : ليلاً ، نهاراً و ... ( اصولاً ظرف زمان ) در صورتی مفعول فیه میباشد که اولاً نقش دیگری نداشته باشد ، ثانياً معنی « در » از آن استنباط گردد .

مثال : أَحَبُّ \* يَوْمَ الْجُمُعَةِ \* مفعول به

\* يَوْمَ الْجُمُعَةِ \* يَوْمٌ مَفِيدٌ \* مبتدا و خبر و مرفوع

رَجَعْنَا مِنَ السَّفَرِ \* يَوْمَ الْجُمُعَةِ      از سفر در روز جمعه برگشتیم \* مفعول فیه و منصوب

3 - کلماتی مانند : اليوم ، صباح و ... ( ظرف زمان ) در صورت قرار گرفتن ابتدای جمله در نقش های مختلف قرار میگیرند :

الف : کلمات فوق + فعل      ← مفعول فیه      ← \* الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ ..... \* مفعول فیه و منصوب

ب : کلمات فوق + اسم      ← مبتدا      ← \* الْيَوْمُ \* يَوْمَ الْجُمُعَةِ \* مبتدا و مرفوع

4 - اگر چند ظرف پشت سر هم بیاید از ظرف دوم به بعد مضاف الیه خواهد بود .

مثال : سَنَذْهَبُ إِلَى مَشْهَدِ صَبَاحِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ

صباح : مفعول فیه / يوم مضاف الیه برای صباح و مضاف برای الجمعة      الجمعة : مضاف الیه

5- کلمات ذیل مفعول فیه هستند :

دائماً، ابدأً، فوراً، فجأةً، هنا، هناك، أينَ، متى، اذا، اينما، اثناء و ...

6- اسم های اشاره و کلمات ( کل و بعض ) در صورتی مفعول فیه هستند که قبل از کلماتی مانند : اللحظة، اليوم، الاسبوع و ... و کلمات بعد از کل و بعض همیشه مضاف الیه و مجرور است .

7- به ظرف های مشترک در ظرف زمان و مکان در حل تست ها توجه داشته باشیم ( قبل، بعد، عند و بين )

8- توجه به ظرف های مبنی که دارای اعراب محلی هستند توجه داشته باشیم ( هنا، هناك، إذا، متى، أين، أينما، الآن، حيث و أمس )

### تست شماره 3

عین کلمة (( يوم )) لیست منصوبه (سراسری تجربی سال 86)

1) تحسنت حالی صباح يوم رأيتك!

2) إن عدد الغائبين اليوم في صفنا اثنا عشر!

3) إشتاقت نفسي اليوم إلى زيارة أصدقائي كثيراً

4) الوالی یشاور أصحابه يوم الأربعاء من كل أسبوع!